

پیش‌خوان

روزشماری پژوهشی، از حیات سیاسی زنده‌یاد آیت‌الله سیدمحمود طالقانی

ابوذر وار در طریق حق

■ محمد رضا کائینی



عالم مجاهد زنده‌یاد آیت‌الله‌سیدمحمود طالقانی، از رهبران نامور و پروهجه انقلاب اسلامی ایران به‌شمار می‌رود. تلاش و تکاپوی وی در برپایی حکومتی مبتنی بر قسط و

آزادی، از جریان‌های در خور رصد، در تاریخ معاصر است. اثری که هم‌ایک‌در معرفی آن سخن می‌رود، به‌ارائه روزشماری پژوهشی از زندگینامه آن بزرگ پرداخته‌و نیز اعلامیه‌ها، سخنرانی‌ها و گفت‌و شنودهای وی از مقطع آزادی از زندان تا پیروزی انقلاب اسلامی را تجمیع کرده است. این اثر به‌همت میرزا باقر علیان‌نژاد تدوین یافته و انتشارات سوره مهر آن را به‌زیر طبع آراسته است. مؤلف در دیباچه این مجموعه، در باره محتوای آن چنین آورده است:

«هرد شماره ۲ انقلاب اسلامی، این تعبیر را رسانه‌ها و گروه‌های مبارز به آیت‌الله سید محمود طالقانی اختصاص داده بودند. او از نامدارترین مبارزان دوران پهلوی به‌شمار می‌رفت. او در دوره پس از سقوط رضاشاه و خروجش از کشور، فضا را بیش از گذشته مناسب برای تبلیغ دین و آیین داندست و با تشکیل کانون اسلام در تهران، دانشگاهیان را به سمت خود کشاند. آیت‌الله طالقانی همپای تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه پیش می‌رفت و متناسب با جریانات و وقایع روز، واکنش‌های لازم را از خود بروز می‌داد. چه در دوره ملی شدن صنعت نفت و چه در دوره ماجرای فرارندوم انقلاب سفید. او در دوره آغاز نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی از خود توانمندی‌هایی نشان داد که در نهایت منجر به دستگیری و محکومیت ۱۰ ساله‌اش شد. آیت‌الله طالقانی بارها در دوران رژیم پهلوی، به زندان افتاد ولی همواره نگاهش را از هدفی که در برابر داشت، برنگرفت و استوار ماند. نقش آیت‌الله



طرحی از حیات مبارزاتی زنده‌یاد آیت‌الله سیدمحمود طالقانی

طالقانی در انقلاب اسلامی، پس از آزادی‌اش از زندان در هشتم آبان ۱۳۵۷، نمایان‌تر می‌شود. او رهبری انقلابیون و انقلاب را در داخل کشور برعهده می‌گیرد و با اعلامیه‌ها و سخنرانی‌های خود، به‌زبات دیدگاه‌های امام خمینی رهبری انقلاب اسلامی می‌پردازد که در آن مقطع در نوفل‌لوشاتو به‌سر می‌برد. این رفتار آیت‌الله طالقانی، وحدت‌نظر در میان رهبران نهضت را نشان می‌داد و پس از بازگشت امام‌خمینی به ایران نیز همین روند را ادامه داد. او با حکم امام خمینی، به عضویت شورای انقلاب اسلامی درآمد و پس از پیروزی انقلاب نیز ابتدا به‌نمایندگی از سوی مردم تهران در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی انتخاب شد و سپس از جانب امام خمینی، امامت‌جمعه پایتخت را برعهده گرفت. آیت‌الله طالقانی به‌رغم ارتباطات گسترده‌ای که با گروه‌های سیاسی مبارز در زمان شاه داشت و این ارتباط را تا آستانه انقلاب حفظ کرده بود، امام‌برای دوری از تعارضات گروهی، ارتباطاتش را با گروه‌های سیاسی قطع کرد تا نقش هدایت و رهبری انقلاب در غیاب امام خمینی را به درستی برعهده داشته باشد. دیدگاه‌های آیت‌الله طالقانی در دو مقطع پیش و پس از پیروزی انقلاب که در این کتاب بدان توجه شده است، بیانگر دوراندیشی و ذکاوت آن پیرمرد سالخورده‌ای است که در گوران مبارزات، جان و روح خود را ایضاً کف داد بود تا در بزنگاه تاریخی ایران، نقشی اثرگذار را ایفا کند. با نگاهی گذرا به مسیر مبارزات آیت‌الله طالقانی درمی‌یابیم که دوره اوج این مبارزات از ۸ آبان ۲۳ تا بهمن ۱۳۵۷ است. در این دوره زمانی کوتاه، آیت‌الله طالقانی با بیش از ۶۰ اعلامیه، پیام، سخنرانی، مصاحبه و… در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی، نقش مؤثری ایفا کرد. از نکات قابل توجه اینکه با توجه با لغو سانسور در نشریات ایران، اکثر این اقدامات آیت‌الله طالقانی در سراسر کشور را هدایت کرد. با توجه به اهمیت اقدامات آیت‌الله طالقانی در به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی، برآن شدیم ضمن جمع‌آوری این مطالب، آنها را به‌همراه روزشماری تفصیلی از زندگانی ایشان، منتشر کنیم.»

■ محمد مددی

روحانی خدوم و پر تلاش، زنده‌یاد حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد محقق لاهیجی، مبلغ اعزامی زنده‌یاد آیت‌الله العظمی حاج آقا حسین طباطبایی بر و جردی به کشور آلمان بود که طی هشت سال اقامت در آن منطقه، به تأسیس مرکز اسلامی و مسجد بزرگ هامبورگ مبادرت ورزید. این تلاش بیگسر و ماندگار در سراسر آلمان و اروپا، به‌وی‌شهرتی بسزا بخشید و نام و خاطره وی را جاودان ساخت؛ در مقال بی آمده، زندگی علمی و عملی آن بزرگ، مورد بازخوانی قرار گرفته است. امید آنکه تاریخ پژوهان معاصر و عمووم علاقه‌مندان را مقید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ میلاد و نشو و نما

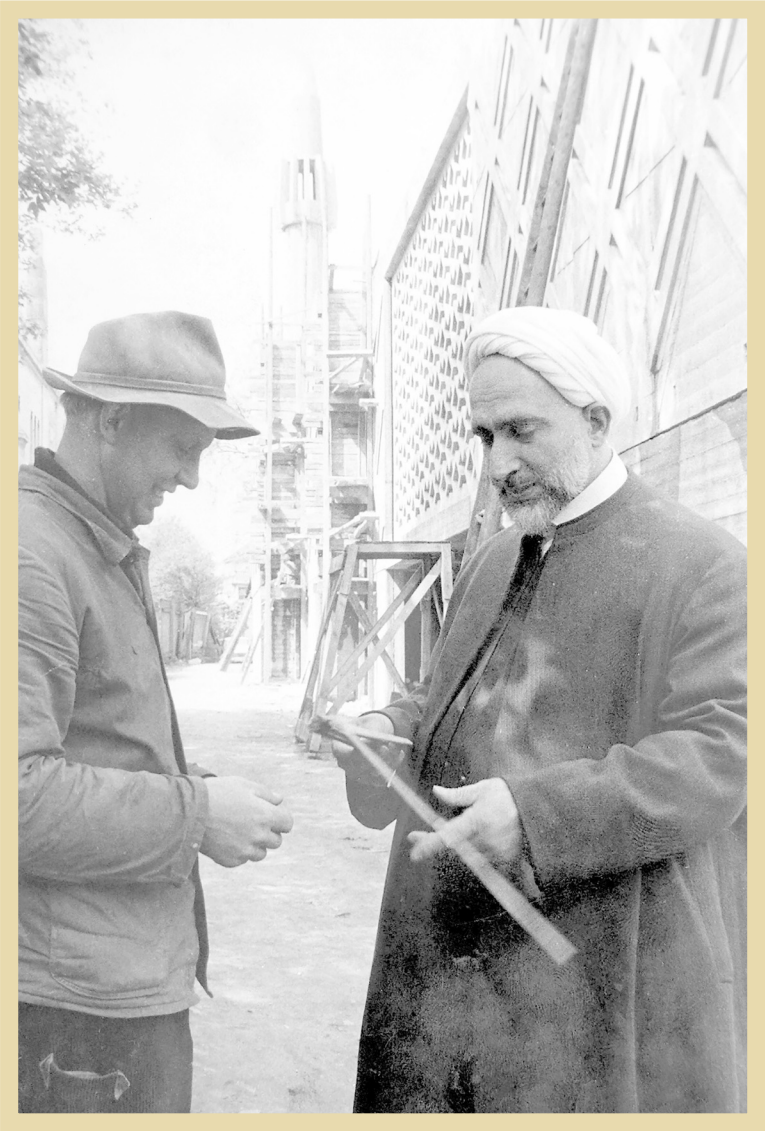
زنده‌یاد حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد محقق لاهیجی، در سال ۱۲۸۹ش، در خانواده‌ای متدین در شهر لاهیجان از شهرهای تاریخی استان گیلان به دنیا آمد. پدرش «میرزا کاظم خان» مردی پرهیزگار بود که با ثروت فراوان، از خیرین و نیکوکاران به‌شمار می‌رفت. مادرش فقیس خانم، دختر حاجی ملاحبیب مجتهد بود و مادر بزرگ مادری‌اش راضیه خانم معروف به «خانم شیرازی» از اهل شیراز و زنی فاضله، شاعره و معلم، در سرای وکیل الرعایا در شیراز بود. محمد با تربیت شدن در چنین خانواده‌ای، ادب، بزرگ منشی، درایت و هوشمندی را از آنان به‌ارث برد. دوران کودکی محمد، در آغوش طبیعت سرسبز سا‌منظره‌ای از جنگل، تپه، رودخانه و دریا گذشت و لطافت طبع، مهربانی و عاطفه را به‌او آرزانی داشت. والدین محمد در دوران نوجوانی‌اش، زمانی‌که وی حدود ۱۱ سال داشت، تصمیم گرفتند برای ادامه تحصیلات فرزندان خود، در رشت ساکن شوند. به این ترتیب،



زنده‌یاد محققى از آنجا که خود دانش آموخته دارالفنون بود، به‌دانشگاه علاقه خاصی داشت و به تدریس در آن اهتمام می‌ورزید. به همین دلیل در سال ۱۳۳۰ش، در سن ۴۱ سالگی به تهران مهاجرت کرد تا به تدریس در دانشکده معقول و منقول بپردازد. او بعدها همیشه از این دوران با افتخار یاد می‌کرد و حتی در هامبورگ در زیرنویس نامه‌ها خود را «استاد دانشگاه تهران» معرفی می‌کرد

تاریخ

تاریخ ۸۸۴۹۸۴۳۷



زنده‌یاد استاد محمد محقق، در دوران احداث مسجد و مرکز اسلامی هامبورگ



روحانی خدوم و پر تلاش، زنده‌یاد حجت‌الاسلام والمسلمین محمد محققى لاهیجی، مبلغ اعزامی زنده‌یاد آیت‌الله‌العظمی حاج آقا حسین طباطبایی بر و جردی به کشور آلمان بود که طی هشت سال اقامت در آن کشور، به تأسیس مرکز اسلامی و مسجد بزرگ شهر هامبورگ مبادرت ورزید. این تلاش پیگیر و ماندگار در سراسر آلمان و اروپا به‌وی‌شهرتی بسزا بخشید و نام و خاطره وی را جاودان ساخت!

حیات زنده‌یاد حجت‌الاسلام والمسلمین محمد محقق لاهیجی در آیینه یک بازخوانی

پدر دلسوز و توانای مسلمانان

در فراسوی مرزها

خانواده محققى در سال ۱۳۰۰ش، به رشت آمدند. سه سال بعد، یعنی در سال ۱۳۰۳ش، میرزا کاظم پدر خانواده، در رشت وفات یافت. گویی تقدیر الهی این بود که محمد، رنج محرومیت از پدر را در دوران نوجوانی در ک کند تا بعدها بتواند پدری توانا و دلسوز برای فرزندان اسلام در آن سوی مرزها باشد و ایام آل محمد(ص) را سرپرستی نماید. پیکر میرزا کاظم خان از رشت به شهر مقدس قم منتقل گردید و آنجا به خاک سپرده شد تا ریشه‌های خانواده محققى در آشیانه اهل بیت (ع) مستحکم‌تر گردد. از آن پس محمد همچنان در شهر رشت به تحصیل ادامه داد و بعد از پایان دوره تحصیلی سیکل، نزد آیت‌الله ختلی – که در آن زمان از علمای مشهور رشت بود– رفت تا زبان عربی بیاموزد. وی که شیفته معنویت و سلوک استاد شده بود، با اشتیاق فراوان نزد آن عالم روحانی حاضر می‌شد و به کسب علوم حوزوی و معارف دینی علاقه‌مند گردید.

استعداد فراوان و علاقه زیاد محمد به فهم علوم روز، در همان ایام، او را به فراگیری زبان فرانسه و روسی نیز کشاند. بدون تردید، گرایش به فهم مسائل روز و سر درآوردن از مسائل علمی و پیشرفت‌هایی که در حوزه تجربی، در دنیای خارج از محیط زندگی او رخ می‌داد، از روحیاتى بود که در همه مراحل عمر محمد، تأثیرگذار بوده است. همین روحیه بعد‌ها و راه‌ارائه سبک‌های نوینی از دروس فلسفه، ریاضی، زیست‌شناسی، هنر و… سوق داد تا نوآوری‌هایی در تدریس پدید آورد.

■ در تب و تاب هجرت

در زندگانی استاد محمد محقق لاهیجی «هجرت و حرکت» جایگاه خاصی دارد. در همه دوران‌های عمر، او را مسافری پا در سفر می‌بینیم که در جست‌وجوی وضعیت مطلوب، از شهری به شهر دیگر هجرت می‌کند. بر این اساس، محمد در روزهای واپسین در



زنده‌یاد استاد محمد محقق در حال سخنرانی در مسجد تازه احداث شده هامبورگ

امام ثروف آسان نبود، ولی اشتیاق آموختن علوم آل الله در حوزه علمیه تازه تأسیس قم و جاذبه جلسات علمی فقه‌ها، فلاسفه و فضایی آن در جوار کریمه اهل بیت (ع) بسیار نیرومند می‌نمود و اینگونه شد که سرانجام، در حالی که ۲۳ بهار از عمرش سپری شده بود، به سوی قم شتافت. قم برای محمد سرزمینی آشنا بود، چراکه بوی پدر می‌داد و یادآور ۲۲سال پیش بود، زمانی که پیکر پدرش میرزا کاظم را به امید شفاعت اهل بیت (ع) از رشت به آنجا آوردند و به خاک سپردند. محمد در قم، در مدرسه علمیه رضویه (سلام الله علی مشرف‌ها) سکنی گزید. وی در مورد یکی از استادان فلسفه‌اش بعدها چنین گفت: «بندۀ می‌خواستم شرح منظومه بخوانم. نزد خیلی از مدرسین رقتم و نتوانستم آنچه را باب میل بسود، بیایم. تا اینکه خدمت آقا شیخ عباس تهرانی رسیدم. دیدم ایشان خیلی خوب تدریس می‌کنند و از عهده تدریس کاملاً برمی‌آیند و لذا منظومه حکیم سبزواری را نزد ایشان خواندم…».

او همچنین در قم موفق شد تا در درس خارج آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری شرکت کند. او در طول تحصیل، از محضر بزرگان دیگری نیز بهره برد، از جمله آیات عظام: سیدمحمدتقی خوانساری و سیدشهاب الدین مرعشی نجفی و نیز حضرات آیات: شیخ محمدتقی بافقی، ادیب تهرانی، شیخ عباس تهرانی، محمد همدانی، شیخ علی دامغانی، مدرسی، عبدالنبی نوری و دیگران.

■ از دواج و تشکیل خانواده

شیخ محمد اندک اندک، به فکر ازدواج افتاد و برای این منظور، فرد مناسبی را جست‌وجو می‌کرد. پس از مدتی، با دختر حجت‌الاسلام سیدمحمد مدرس سعیدی که از علمای بانام بود، ازدواج کرد و خانواده‌ای فرهنگی تشکیل داد. برخی به خاطر وصلت او با پزدی‌های را «محققى یزدی» می‌خواندند؛ حاصل این ازدواج چهار فرزند بود، دو پسر به نام‌های علی و محمدجواد و دو دختر. پسر بزرگ ایشان مهندس علی محققى که‌ایک‌در یزد زندگی می‌کند و پسر کوچک‌تر، آقای دکتر محمدجواد محققى است که تصویر او در روز کنگل‌زنی مسجد بزرگ هامبورگ، در کنار پسر ثب شده است. دکتر محمدجواد محققى در دوره دانشجویی، دوباره به آلمان آمد و در این کشور اقامت‌گزید و در طول سالیان دراز، در بخش‌های مختلف به ویژه گفت‌وگو با ادیان و کنفرانس‌ها، منشأ خدمات بسیاری است.

■ در قامت یکی از اساتید حوزه

دوران حضور شیخ محمد در قم، برای او بسیار پربرکت و قابل استفاده بود. آشنایی با مؤسس حوزه علمیه قم مرحوم آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری و شرکت در درس خارج فقه آن استاد بزرگ و دیگر اساتدان بنام حوزه، فرصتی بی‌نظیر برای رشد علمی به‌ویژه در فقه و فلسفه فراهم آورد. خوشبختانه این وضعیت چند سالی تمام یافت و در خدمت، عمر او را پرثمر ساخت. این دوران در خرخشان، با رحلت حاج شیخ و پایان رسید. پس از رحلت حاج شیخ و در کوران مشکلات اقتصادی حوزه و نابسامانی امور معیشت طلاب، شیخ محمد مدتی برای امرار معاش به تجارت روی آورد تا اینکه آیت‌الله حاج شیخ محمدتقی بافقی یزدی او را از ادامه این کار منصرف نمود؛ بعد از چندی، محمد به همدان رفت و در آن شهر، به خدمات دینی و فرهنگی اشتغال یافت. شیخ محمد بار دیگر همدان به‌قامت برگشت و به مطالعه، تحقیق و تدریس پرداخت اما این بار دیگر فقط یک شاگرد نبود، بلکه در قامت یک استاد حوزه ظاهر شده بود. وی در این دوره موفق شد در مدرسه دارالفنون، در مجاورت حرم مطهر حضرت معصومه (س) کرسی تدریس بیابد و علوم ریاضی، زبان فرانسه، هیئت، فیزیک، تشریح و یادگیری زبان فرانسه و روسی اهتمام پیدا کرد. علوم دینی ارائه نماید. آن روزها برخی از فضایی ممتاز حوزه، مانند متفکر شهید آیت‌الله شهید مرتضی مطهری، در حلقه درس وی شرکت می‌جستند. صاحب کتاب «آئینه دانشوران»، درباره مدرسین حوزه علمیه قم در آن دوره، چنین می‌نویسد: «تدریس علم هیئت، فیزیک و دیگر شعبات علوم طبیعی، به عهده آقا شیخ محمد محقق لاهیجانی می‌باشد.»

همچنین تدریس فلسفه در حوزه علمیه قم، از توفیقات او بود. سبک تدریس فلسفه‌اش ابتکارآتی داشت که نظر آیت‌الله‌العظمی بروجردی را جلب کرد و مورد تشویق ایشان قرار گرفت. آیت‌الله سید موسی شبیری زنجانی از مراجع معظم تقلید می‌گوید: «قای محققى یک درس هم داشت که در آن اطلاعات جدیدی که غالب طلاب به آن احتیاج داشتند به صورت تلفیقی با دروس حوزه مطرح می‌کردند. بنده هم درس ایشان می‌رفتم. در آن درس سید عبدالجواد جبل عاملی نیز که استاد شرح لمعه ما بود، شرکت کردند.» در این دوره، آوازه درس و فضل استاد محمد محققى در قم دهان به دهان می‌گشت و او را به یک چهره شناخته شده در حوزه علمیه قم تبدیل کرد.

■ ذهن خلاق و هنر پرور

استاد محققى بس خلاق بود و روحیه‌ای هنری داشت. او در خط، نقاشی، موسیقی و عکاسی متبحر بود. یکی از آثار منحصر به فرد ایشان تهیه فیلم از مناسک حج، مخصوصاً اطراف خانه خدا و سعی صفا و مروه است که در آن زمان، بارها مراجع بزرگ و علمای حوزه علمیه، آن را تماشا کردند. این فیلم ارزش تاریخی زیادی نیز دارد، چراکه او این فیلم را حدود سال ۱۳۴۰، در شرایطی که حکومت وقت عربستان به شدت از اینگونه اقدامات جلوگیری می‌کرد، شخصاً به صورت مخفی و ماهرانه تهیه کرد. همچنین مجموعه‌نفسی‌سی از عکس‌های اسلاید رنگی از ایشان باقی مانده که از مناطق مهم در کشورهای مختلف مخصوصاً از ابنیه و مراقد انبیاى عظام، امه اطهار و مشاهیر تهیه شده است. ساخت کره‌های جغرافیایی نیز از کارهای دیگر ایشان بود که به زودی به آن اشاره خواهد شد. این روحیه در طراحی و تولید ابزارهای کمک آموزشی نیز مؤثر بود و سبک تدریس ایشان را در حوزه علمیه، از کلاس‌های دیگر متفاوت ساخته بود. نگارنده از یکی از شاگردان استاد محققى در گیلان شنید که می‌گفت: ایشان به طرزى بسیار زیبا و بدیع، برده‌ای از تصاویر انسان در مراحل مختلف حیات تهیه کرده بود که از روی آن، آیات کلام الله را برای ما توضیح می‌دادند.

■ در محضر عارفان الهی

استاد محققى علاقه زیادی به اولیای خدا و انسان‌های وارسته داشت. به همین جهت در مدتی که در همدان اقامت داشت علاوه بر آنکه آنجا به تبلیغ دین پرداخت، توفیق یافت تا به محضر عارف نامدار آن دیار، یعنی مرحوم آیت‌الله حاج شیخ جواد انصاری همدانی تشریف یابد و از عرفان و معنویت آن سرمد الهی بهره بسیار برد. علاقه و اهتمام استاد به سیر و سلوک اخلاقی و عرفانی، به او روحی لطیف و قلبی آرام بخشیده بود، به طوری که تواضع، فروتنی و رعایت اخلاق و آداب الهی، در رفتار او متبلور شده بود. همین مراقبت و مواظبت موجب شده بود، در مصرف وجوهات شرعی احتیاط و تلاش کند تا از راه کسب و تجارت، درآمد داشته باشد. در این راستا یکی از ابتکارات استاد، ساخت و فروش کره جغرافیایی بود که به شکل فاخر، دقیق و دست‌ساز آنها را تولید می‌کرد و برای اولین بار، به فارسی نام مناطق، کشورها و شهرها را به صورت رنگی بر آن درج می‌نمود. تولید این کره‌ها از طرف دانشگاه‌ها و شخصیت‌های علمی، مورد استقبال قرار می‌گرفت و خریداری می‌شد.

■ اقامت در یزد

استاد محققى با رحلت پدر همسرش، به یزد رفت و چهار سال در آن دیار به تبلیغ دین پرداخت. این بار نیز سفر تبلیغی او مانند دفعات قبل، در سایه جامعیت علمی و اخلاق الهی وی، با موفقیت و استقبال عمومی مواجه شد. وی در مدت اقامت در یزد، با تدریس و سخنرانی‌های خود، در راه احیای ارزش‌ها و اندیشه‌های قرآن و اهل بیت (ع) گام‌های مؤثری برداشت. علاقه مردم یزد به ایشان موجب شد تا وی برای نمایندگی در مجلس شورا دعوت کند که ایشان نپذیرفت!

از خاطرات این دوران اینکه در شهر ابرقوی یزد یکی از اهالی، توسط برخی اعضای فرق ضاله به قتل رسیده بود و در رسیدگی به پرونده او کارشکنی‌ها و اعمال نفوذهایی در محکمه صورت می‌گرفت، ولی استاد محققى موضوع دفاع از حق مقتول را با جدیت دنبال و با وجود تهدیدها محکمه را در تهران پیگیری کرد و به نتیجه رساند. استاد محققى بعد از دوران یادشده، دوباره به قم بازگشت، گویی قم مأوی برای استاد بود تا هر از چند یک بار، برای آسودگی روح و جان، و به نسوی به اشتیاق و بار دیگر نیزو بگردد و حرکتی جدید را شروع کند.

■ استاد دانشگاه تهران

استاد محققى از آنجا که خود دانش آموخته دارالفنون بود، به دانشگاه علاقه خاصی داشت و به تدریس در آن اهتمام می‌ورزید. به همین دلیل در سال ۱۳۳۰ش، در سن حدود ۴۱ سالگی، به تهران مهاجرت کرد تا به تدریس در دانشکده معقول و منقول بپردازد. او بعدها همیشه از این دوران، با افتخار یاد می‌کرد و حتی در هامبورگ در زیرنویس نامه‌ها خود را «استاد دانشگاه تهران» معرفی می‌کرد. استاد محققى در تهران، مجالس سخنرانی نیز داشت و در ماه مبارک رمضان معمولاً در مسجد معروف و بزرگ حاج عزیزالله در بازار تهران پس از سخنرانی استاد فلسفی به منبر می‌رفت و مورد استقبال متدینین مخصوصاً جوانان قرار می‌گرفت.

■ مأموریت فراموش نشدنی

استاد محققى به دنبال درخواست ایرانیان مقیم آلمان در عید غدیر سال ۱۳۳۴ش (۱۹۵۵م)، در سن ۴۵ سالگی از سوی آیت‌الله‌العظمی بروجردی، به نمایندگی انتخاب و به هامبورگ اعزام شد. مأموریتی فراموش نشدنی که تا دو سال بعد از رحلت آن مرجع فقیه، به مدت حدود هشت سال ادامه یافت و آثار و برکات آن تا امروز همچنان تداوم دارد. در باب چند مورد از مهم‌ترین مراکز اسلامی در این قاره را در شهر هامبورگ آلمان بنا نهاد. پس از بازگشت وی، شهید آیت‌الله دکتر سیدمحمد بهشتی، جانشین استاد محققى گشت و رهسپار هامبورگ شد. روحش شاد و یادش گرامی باد.

جوان